

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمی صلواتی
۰۷ فبروری ۲۰۲۴



شمی صلواتی

نامه سرگشاده به دایه شریفه عزیز!

دایه شریفه عزیز سلام گرم مرا از دور دستها پذیرا باشید
هماکنون که این نامه همصدائی را برای شما می نویسم با این امید که اندک التیامی برای دل شکسته شما و صدها مادر
داغدید در ایران باشد. نامه ای برای باهم بودن، و دفاع از برچیدن بساط شکنجه و اعدام در ایران.
شما و صدها مادر داغدیده را می شناسم که هنوز نمی توانند باور کنند که فرزندشان اعدام یا در زیر شکنجه
جانباخته است و چه شبها با این تصور در خواب و بیداری همچون پرنده دیوانه وار پر می کشند ،
تا بغلت کنند، تا ببوسند، تا ببینند فرزندشان را...
کابوسها با این تصور از «چگونه جانباختن» و «چگونه شکنجه شدن» در آن سیاهچاله های بی انتهای «حکومت
جنایتکار مذهبی» که جان بر لب می کند مادران را...
بسیار سخت و آزار دهنده است.
هر شب، در خواب و بیداری، در دریای غم
سراغ فرزندشان را به هر کجا، که نشانی ست از او. در حال رفتند
تا این که خود را در جمع مادران داغدیده و دل شکسته می یابند که سرانجام یک بدیل و یک دست قوی برای تغییر
است.

دایه شریفه عزیز

می توانم درک کنم که دل شیدا و شکسته شما در جست و جوی دیدن پیکر بی جان رامین عزیز آرام نمی گیرد.
پیکر دزده شده رامین جوان که ستمگران بی از خبر «لالای شما» او را کشتند و دلت شما را سخت شکستند.

اگرچه امروز

در هر نقطه این جهان

مردمانی بسیار

با شاخه گلی سرخ
همراه با برافراشته پرچمی
که با خون رامین جوان و هزاران جانبخته
روان به سوی رهائیدن اند
به آمدن سعادت همراه با دفن استبداد
امیدوار می کنند آزرندگان این جهان نابرابر
اما شما و دیگر مادران با نبودن فرزندانتان
نمی توانید کنار بیایید، یا شاید هم این امید و همدرد نمی تواند تسلای درد باشد، قطعاً هیچ چیزی نمی تواند تسلای دل
شکسته مادران باشد...
دایه شریفه عزیز ، انسانهای بسیاری در کنار شما هستند و شما در کنار صدها مادر داغیده این یعنی بازخواست
جانپان که در اتحاد شما مرگ خود را تصور می کنند
در همدردی با دایه شریفه و صدها مادر داغیده(!)
«احساس درد در محکومیت
اعدام و سه جوان در بند...»
*چگونه با شعر گفتن می شود
قلبهای شکسته را ترمیم کرد
وقتی که شعراء!
شهرتشان به ژولیدگی و پریشان حالی ست!
*اما با شعر می شود
جهانی را به تصور دید
که در آن دل شکسته مادرها
تا چه حد زخمی و پر از درد است
*با واژه های هر چند ساده
با خط های کج و معوج
می شود با عشق
سروده ای
برای شناگران خلاف جریان آب نوشت
که زیبایی غرور در نهایت اوج
خود نمائی کند .
*من در این نصف شب
برای سر دادن گریه
برای در خود شدن
بدور از هر دلی
به جای تسلیت به کسی

یا برای نوشتن پیام همدردی
فقط اشک می ریزم
چه غم انگیز است احساس پدرا نه
وقتی که در میان ناباوری گم شده باشد
در تصویری تار! فرزندم
*احساس می کنم هنوز انسانیت در وجودم هست
هنوز اشک همدردی در چشمان ترم جاریست
که از درون دلم به یادشان
(رامین - لقمان - زانیار)
اشک پدرا نه می ریزم
*شاید هم همچون یک زن -
با احساس مادرانه
در میان موجهای خون
در رقص عاطفه ها
که به ساز بی موقع غم می رقصند،
هنوز رویای بازگشت پسر را به خانه
از دست نداده ام
علی رغم این که جانیان ترسوترینند
ولی شاید شنیدن مرگ فرزند در بدم
فقط یک شوخی ساده زندگی باشد
که جانیان برای آرام به باد سپردند.
شمی_صلواتی ۲۰۱۸/۰۸/۰۹
شمی_صلواتی